

از: دکتر محمدعلی احمدی  
رئیس مدرسه عالی بازرگانی

## اهمیت اصل دوازدهم منشور انقلاب شاه و ملت

اجرای اصل دوازدهم انقلاب یعنی « انقلاب اداری و آموزشی » اساس پایه و ضامن موفقیت مجریان هر یک از فعالیت‌های مربوطه و عامل سایر اصول انقلاب میباشد .

هر چند انقلاب اداری و آموزشی تحت عنوان یک اصل نامگذاری گردیده است معذک از یکدیگر قابل تفکیک بوده و مجرد از هم میباشد ولی لازم و ملزوم یکدیگرند ، یعنی بدون اجرای انقلاب آموزشی بطور صحیح ، انقلاب اداری واقعی نمیتواند تحقق یابد و انقلاب آموزشی هم بدون انقلاب اداری قابل اجراء نمی‌باشد .

بعبارت دیگر اجرای انقلاب اداری که مفهوم آن همانا مشخص نمودن عطف کلیه سازمانهای دولتی ( اعم از انتظامی ، غیر انتظامی و آموزشی ) و ایجاد سازمانهایی که متناسب با حجم عملیات و فعالیت‌های هر یک از واحدهای مربوطه

باشد ، و اعمال اصل لیاقت و شایستگی در استخدام و انتصابات مشاغل ، و بکاربردن اصول و روشهای دقیق و صحیح مدیریت علمی به نحوی که وظائف محوله در هر یک از سازمانها بانهایت دقت ، سرعت و صحت و صرفه‌جویی انجام پذیرد و آنچنان تحرك و فعالیتی در کارکنان هر یک از مؤسسات (در کلیه سطوح) بوجود آید که همه آنان با ایمان و علاقه خود را خدمتگزار واقعی مردم دانسته و در نتیجه روش مناسبات و محاطله و سهل انگاری و کاغذ پر اکنی در تمام ادارات دولتی منسوخ و برای همیشه از بین برود ، بدون اجرای انقلاب آموزشی نمیتواند بطور کامل تحقق یابد .

اجرای انقلاب آموزشی هم که ماحصل آن ایجاد دگرگونیهای لازم در برنامه‌های دروس مؤسسات آموزشی و تنظیم برنامه‌های آموزشی جدید که منطبق با نیازمندیهای کشوری که بسوی تمدن بزرگ گام بر میدارد و ضمناً منطبق با برنامه‌های درسی پیشرفته‌ترین دانشگاههای معتبر دنیا بمنظور بالا بردن سطح معلومات دانش‌آموزان و دانشجویان از نظر کیفی و کمی ، و تربیت و آماده کردن جوانان برای تقبل مسئولیت‌ها و مشاغل جامعه باشد ، احتیاج به زمان دارد و مسئله‌ای نیست که بتوان در ظرف مدت کوتاهی آنرا به نحو مطلوب بمرحله اجراء و عمل درآورد .

بنابراین مادام که انقلاب آموزشی بمفهوم واقعی و حقیقی خود در سراسر مملکت صحیحا بمورد اجراء در نیاید نمیتوان انتظار داشت که انقلاب اداری در کلیه سازمانهای دولتی بوسیله پرسنل و نیروی انسانی شاغل فعلی آنطور که مطمئن نظر طراح بزرگ انقلاب شاه و ملت است بمرحله اجراء درآید !

### مشکلات اجرای انقلاب آموزشی

بطور کلی عوامل عمده تشکیل دهنده آموزش عبارت است از :

- ۱ - نیروی انسانی مورد احتیاج - ( اعضای هیات علمی و پژوهشی و اداری ) .
- ۲ - دانشجو .

۳ - منابع تأمین اعتبار ( بودجه بمنظور تهیه جا و مکان و تجهیزات و وسائل و پرداخت حقوق و مزایا ) .  
 ۴ - مدیریت .

نقش عمده مدیر-مدیریت در هر یک از مؤسسات آموزشی عبارت از این است که عوامل آموزشی (استاد - دانشجو و وسائل) را طوری بایکدیگر هدایت و ارشاد و رهبری و بطور مستمر نظارت و کنترل نماید که استاد و دانشجو و سایر عوامل و وظایف خود را به نحو مطلوب و صحیح انجام داده تا انقلاب آموزشی بطور حقیقی و آنطور که جامعه امروز و آینده ، احتیاج و انتظار دارد و آنچنان که مورد نظر و علاقه مخصوص رهبر خردمند ملت ایران است بمرحله اجراء درآید .

اما در عمل تأمین و فراهم کردن هر یک از عوامل مذکور در فوق ( که واجد شرائط باشند ) مشکلاتی دارد که تقریباً در اغلب مؤسسات آموزش عالی مشترك هستند که اهم آنها بطور اختصار بشرح زیر مورد بحث قرار میگیرد .  
 الف - مشکل تأمین و فراهم کردن استاد ( عضو هیات علمی و آموزشی واجد شرائط به تعداد کافی ) .

وقتی میگوئیم استاد واجد شرائط باید روشن شود که استاد در مؤسسات آموزش عالی باید دارای چه صفات و خصوصاتی باشد تا بوسیله او بتوان انقلاب آموزشی را اجراء کرد .

### خصوصیات یک استاد

آنچه دانشگاهیان و جامعه از استاد انتظار دارد این است که :

- ۱ - در رشته ای که تدریس میکند و تعلیم میدهد متخصص و علاقمند باشد .
- ۲ - قوه تفهیم مطالب، درسی را دارا بوده و استعداد و قدرت اداره کردن کلاس درس را داشته باشد .
- ۳ - علاوه بر تدریس و تعلیم قادر و موظف به تربیت و راهنمایی دانشجویان در کلیه مسائل آموزشی بوده و خود را مکلف بداند که روح میهن پرستی و آرمان ملی و شخصیت و اعتماد به نفس را در آنان تقویت نماید تا دانشجویان پس از فراغت از دانشگاه بتوانند مسئولیت سشامل را در جامعه بعهده بگیرند .
- ۴ - استاد باید مظهر ، صداقت ، امانت ، دیانت ، وطن پرستی ، شاهدوستی

نظم و ترتیب و استقامت و بردباری باشد .

۶ - استاد باید شخصی آرام و مهربان و وقت شناس بوده و باخوشروئی تمام با دانشجویان مربوطه رفتار و حتی المقدور از مجادله و دل آزاری خصوصی احتراز نماید و از بیعدالتی و افراط برکنار باشد .

۷ - او باید در رفتار و کردار و طرز لباس پوشیدن و ظاهر خویش محتاط و سرمشق بوده و نسبت بدانشجویان بدون شرط، مؤدب و خدستگزار و نسبت به قوانین و مقررات آموزشی و مملکتی وفادار و فرمانبردار باشد و مقررات را حاکم بر نظرات و قضاوتهای فردی و خود خواهانه خود بداند .

۸ - استاد باید وجود و زندگی خود را منحصراً در راه آموزش و پژوهش و راهنمایی دانشجویان خود وقف کند و وقتی بعنوان استاد راهنما مسئولیت راهنمایی عدهای دانشجو را بعهده میگیرد برای هر یک از دانشجویان مذکور پروندهای تشکیل دهد که نحوه تحصیلات ، اخلاق ، خصوصیات و استعداد آنان درج شود تا پایه و اساسی برای قبول مشاغل در جامعه باشد .

۹ - استاد باید سایر اعضای هیأت علمی و کادر اداری را نیز مورد احترام قرار دهد و نسبت بکسانی که نسبت با استادان و کارکنان دانشگاهی به نحوی از انحاء بی حرمتی میکنند با روش و تدبیر خاص دفاع کند و حفظ الغیب همکاران خود را بنماید .

۱۰ - بالاخره استاد باید دائماً از طریق تحقیق و پژوهش و مطالعه دانش خود را با آخرین پیشرفت های علمی جهان امروز منطبق نماید و نتایج حاصل را برای استفاده دیگران منتشر کند .

بدیهی است تأمین استادانی با شرائط و خصوصیات فوق بقدر کفایت در حال حاضر برای همه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی بسیار دشوار است و برای رفع این نیازمندی احتیاج به تنظیم برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت دارد .

### راه حل

برنامه کوتاه مدت براین پایه و اساس باید استوار باشد که بانظارت و کنترل دائم و مستمر و پیگیر مراقبت شود که استادان و وظایف خود را منحصراً در همان مؤسسه آموزشی که حقوق میگیرند در راه آموزش و پژوهش و راهنمایی

دانشجویان (بعنوان استاد راهنما) انجام دهند و ضمناً از طریق تمرین و ممارست و سعی و کوشش مکلف‌گردند که دارای صفات و خصوصیات مذکور در فوق باشند. در مقابل وظایف و تکالیفی که از روی علاقه و وجدان انجام میدهند حق الزحمه یا پاداش متناسب بآنها پرداخت شود و مراقبت بعمل آید که احتیاجات مادی استادان و وظیفه‌شناسی به‌رنحو که مقدور باشد از طریق دادن کمک‌خواربار، بیمه مجانی، کمک هزینه مسکن، وسائط نقلیه، وام‌های کم‌بهره مرتفع‌گردد.

برنامه بلندمدت بمنظور آماده کردن استادان واجد شرایط برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید تنظیم‌گردد. همانطور که تأسیس دانشسرایعالی بمنظور آماده کردن دبیر برای دبیرستانهای کشور است، دولت باید براساس برنامه و مقرراتی دانشگاه مخصوصی برای تعلیم و تربیت و آماده کردن عضو آموزشی و پژوهشی برای تأمین احتیاجات مؤسسات آموزش عالی تأسیس نماید و با منظور نمودن امتیازات قابل ملاحظه‌ای، آن‌عده از تحصیل کرده‌های ایرانی که با استعداد و علاقمند به قبول مسئولیت در مؤسسات آموزش عالی هستند از طریق امتحانات ورودی و مصاحبه برای تحصیل در آن دانشگاه انتخاب‌کند بطوریکه پس از طی یک‌دوره یک ساله یا دو ساله (پس از اخذ درجه دکتری) بتواند بشغل شریف استادی مشغول‌گردد.

بدیهی است که تربیت دانشمندان و محققان برجسته کاری نیست که در ظرف مدت کوتاه و محدودی امکان پذیر باشد.

### ب- مشکل دانشجو :

یکی از مشکلات عمده مؤسسات آموزش عالی در اجرای انقلاب آموزشی انتخاب دانشجوی واجد شرایط برای رشته مربوطه است، وقتی می‌گه ئیم دانشجوی واجد شرایط، منظور این است که بدانیم دانشجوی هریک از مؤسسات آموزش عالی برای ادامه تحصیل در رشته مربوطه باید دارای چه خصوصیتی باشد تا بتوان او را برای قبول مشاغل در جامعه در اجرای انقلاب اداری آماده نمود.

### خصوصیات دانشجوی واجد شرایط

دانشجوی واجد شرایط دانشجویی است که :

۱ - بوسیله کنکور سراسری برای تحصیل در رشته مورد علاقه خود قبول

شده باشد .

۲ - زیر بنای تعلیم و تربیت او در دبستان و دبیرستان بطور صحیح پیریزی شده باشد، یعنی تحصیلات او عمقی بوده و شالوده ایمان او بخلا ، به سینه و به شاه بطور استواری ریخته شده باشد .

۳ - بطور تمام وقت مشغول تحصیل شود و هدف او از تحصیل زیاد کردن معلومات و کم کردن مجهولات خود باشد نه اینکه هدف او منحصرآ دریافت مدرک تحصیلی باشد .

۴ - با انضباط بوده و علائقند به اجرای مقررات مؤسسه آموزشی و توانین مملکتی خود باشد .

۵ - دارای این تفاهم و اعتقاد باشد که اعضای هیأت علمی مربوطه دوست مهربان و خدمتگزار او هستند و حرمت و احترام آنان را از صمیم قلب رعایت کند .

۶ - ضمن اینکه سایر دانشجویان مؤسسه مربوطه دوستان دوره تحصیلی او بوده و در آینده میتوانند منشأ اثرات مفیدی برای یکدیگر باشند ولی اصولآ دانشجویان یک شهر یا یک کشور، اتحادیه رسمی (مثل اتحادیه های کارگری، دهقانان و اصناف ) محسوب نمیشوند بنابراین تحت تأثیر تبلیغات دهن پرکن دشمنان و شعارهای «اتحادیه مبارزه پیروزی» واقع نشوند .

اما در عمل دانشجویی واجد شرائط برای اجرای انقلاب آموزشی بندرت در مؤسسات آموزش عالی موجود میباشد زیرا :

اولا - اغلب دانشجویانی که بوسیله کنکور سراسری برای مؤسسات آموزش عالی انتخاب میشوند در رشته ای که انتخاب شده اند، یا از دانشکده مربوطه، ناراضی هستند زیرا این انتخاب بخیل واقعی آنها نبوده است و بهمین جهت از بدورود آنان بدانشکده آثار بیعلاقگی و عدم رضایت در چهره آنان دیده میشود و درعوض علاقه به تحصیل ، مخفیانه خود را برای شرکت در کنکور آینده آماده مینمایند و باین ترتیب سال اول خود را بیهوده از دست میدهند و از موضوعات درسی هم چیزی نمی فهمند و در موقع امتحان هم در صدد حيله و تزویر و تقلب برمیآیند و عملاً پرونده تحصیلی خود را خراب میکنند و سپس بهانه گیریها شروع میشود گاهی از استاد حق التدریس ، زمانی از استادان تمام وقت و بالاخره از دستگاه مدیریت و اداری و رستوان و کافه تریا و غیره و غیره اظهار عدم رضایت میکنند

و یک موج عدم رضایت غیر مرئی در محوطه دانشکده بوجود میآید که اگر احياناً هم آهنگی و وحدت نظری هم بین اعضای هیأت علمی و اداری نباشد این عدم رضایت بصورت عانی تجلی میکند. در نتیجه این قبیل دانشجویان سالهای اول و حتی دوم خود را بانتظار موقیبت در کنکورهای آینده با تردید میگذرانند و از سال سرم که بخود میآیند و علاقمند میشوند که به تحصیلات خود ادامه دهند چون زیر بنای تحصیلات ندارند، لذا تمام وقت خود را صرف گرفتن مدرک تحصیلی میکنند نه فراگرفتن معلومات. و اینعهده دانشجویان که وارد اجتماع میشوند چون تعصبی ندارند نمیتوانند مسئول اجرای انقلاب اداری در سازمانهای دولتی بشوند و اگر هم در امتحانات ورودی استخدامی مؤسسات دولتی مردود و روزه شردند نمونه یأس آوری برای سایر دانشجویان بوده و باعث تشدید عدم رضایت میگردد.

ثانیاً - دانشجو در سالهای اول تحصیل خود مسکن است با استادانی برخورد کند که احياناً حق التدریسی بوده و ظاهراً آن مسئولینی را که استادان تمام وقت از نظر دنسوزی لمس میکنند. احساس نکند یا با استادان جوان و کم تجربه تمام وقت سروکار پیدا کند که انظار دانشجو با برخورد آنان اشباع نشده و این برخوردها را به ضعف آموزش تعبیر کند.

ثالثاً - بالاترین مزینه زندگی و سطح زندگی که بانقر اقتصادی او مطابقت ندارد و احياناً مشکلات خانوادگی و تغییر محیط از دبیرستان به دانشکده، خصوصاً اگر شهرستانی باشد و مقتضای سنی او موجب میگردد که یک حالت طنیان و خودنمایی در آنان بوجود آید که یروز همه اینها موجب رکود تحصیلات آن و مالا تأخیر در اجرای انقلاب آموزشی و اداری میگردد.

رابعاً - از آنجا که مؤسسات دولتی و حتی بخش خصوصی به دارندگان دانشنامه لیسانس و فوق لیسانس بیشتر توجه میکنند و مشاغل بین آنان تقسیم میشود نه میان متخصصین و اشخاص مجرب و علاقمندان بخدمت بولتن، این امر موجب میگردد که دانشجویان کمتر به امر تخصصی و فراگیری معلومات عمقی توجه کنند و این قبیل فارغ التحصیلان وقتی هم مسئولیت اداره قسمتی از امور عمومی را بعهده بگیرند در کار خود عاجز میمانند و مالا اجرای انقلاب اداری بتأخیر میآیند.

راه حل:

برای انتخاب دانشجوی واجد شرایط :

اولاً - باید سراقبت شود که تحصیلات دبستانی و دبیرستانی او طبق برنامه صحیحاً اجرا شود و زیر بنای تحصیلات دانشگاهی او محکم گردد .

ثانیاً - در موقع برگزاری کنکور سراسری بعوض انتخاب ده رشته ، فقط باو اجازه دهند که پنج رشته مورد علاقه خود را انتخاب کند .

ثالثاً - مقرراتی وضع شود مبنی براینکه دانشجویی که در یکی از دانشکده‌ها و یا مؤسسات آموزش عالی پذیرفته شده است حق شرکت در کنکور سراسری بعدی را ندارد و مجازات تخلف از این دستور اخراج از دانشکده‌های دولتی باشد.

رابعاً - مؤسسات آموزش عالی حتی المقدور و بتدریج از اعضای هیأت علمی تمام وقت و واجد شرایط استفاده کند و وظائف اعضای هیأت آموزشی و پژوهشی هم منحصرأ بامور آموزشی و پژوهش و راهنمایی دانشجویان مربوطه محدود شود و حق تدریس را در سایر مؤسسات آموزش عالی را نداشته باشند .

برای جبران این محرومیت باید به نحو مقتضی فوق‌العاده مخصوص آنان افزایش یابد .

خامساً - کلیه مؤسسات آموزش عالی بطور یکنواخت و عادلانه‌ای مکلف گردند موجبات رفاه دانشجویان را از قبیل حمل و نقل ، مسکن ، غذا ، جزوه و کتاب مجانی و وام کافی و استاد راهنمای واجد شرایط فراهم آورند .

سادساً - مؤسسات آموزش عالی باید برنامه‌هایی برای فعالیت‌های فوق برنامه تنظیم کنند و ترتیبی بدهند که کلیه دانشجویان در یکی از کمیته‌های متعدد فوق برنامه برحسب استعداد و علاقه خود فعالیت نمایند و موجبات سرگرمی و تفریح بیشتر آنان را فراهم کنند به نحوی که فرصت حضور در اجتماعات مضربه و یا استماع تبلیغات سوء دشمنان وطن را نداشته باشند .

سابعاً - ترتیبی داده شود که حرمت دانشجو مخصوصاً در محوطه دانشگاهی کاملاً محفوظ بماند و باو فرصت بحث و اظهار عقیده داده شود و بانقادات اصولی او پاسخ داده شود و در عین حال مقررات آئین نامه انضباطی دقیقاً نسبت بدان دانشجویان متخلف رعایت گردد .



### راه حل برای رفع مسائل

برای رفع مشکلات جا و مکان و تجهیزات و تکمیل کادر اداری و بودجه ، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی یکی از راههای حل این است که ضوابط و قواعدی بوسیله وزارت علوم و آموزش عالی وضع گردد .

۱ - براساس اصل تناسب ثابت سازمانی ، نسبت دانشجو و استاد معلوم شود، یعنی تعیین گردد درمقابل هراستاد چند دانشجو میتواند بطور صحیح درك فیض کند و همچنین نسبت اعضای کادر اداری به تناسب اعضای هیات آموزشی و دانشجو مشخص شود .

۲ - نسبت دانشجو و نضا و همچنین نسبت دانشجو و کلاس درس باید مشخص گردد و حداقل و حداکثری در نظر گرفته شود و تناسب حفظ گردد .

۳ - هزینه سرانه هر دانشجو در طبقه مربوط تعیین شود .

۴ - حداقل و حداکثر مزایای دانشجویی تعیین گردد .

ماحصل آنکه هرگاه مسائل مربوط به عوامل آموزش ( استاد - دانشجو و بودجه ) به نحو عادلانه و مطلوبی حل شود و انقلاب آموزشی به نحو سلوثری اجرا گردد مالا انقلاب اداری و حتی سایر اصول انقلاب بهتر و سریعتر تحقیق خواهد یافت معذک این نظریه نباید موجب آن باشد که انقلاب اداری یا آموزشی در حال توقف بماند تا اول انقلاب آموزش بطور واقعی تحقق یابد که انقلاب اداری هم به نحو مطلوب اجرا گردد بلکه هر کس که مسئولیت قسمتی از امور عمومی یا خصوصی این کشور را بعهده دارد مکلف و مجبور است با همین پرسنل موجود و با همین اعضای هیات آموزشی محدود با نهایت علاقه و ایقان سعی و کوشش کند که انقلاب اداری و آموزشی تاسرحد توانائی او بمرحله اجرا درآید و بخاطر داشته باشد اجرای اصول انقلاب که امری مستمر و دائمی و در حال توسعه بوده و سال بسال پیشرفت کرده است ، درآینده هم پیشرفت کند . نهایت معتقد است اگر پیشنهادات مذکور در فوق هم بمورد اجرا گذارده شود درآینده بهتر و سریعتر اجرا خواهد شد .